

Social participation and cultural factors affecting it (studied: Javanroud and Ravansar counties)

Shahram Fazeli

Ph. D. graduate in economic sociology and development, North Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abdulreza Adhami

Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E- mail: a_adhami@iau-tnb.ir

Faizollah Nouroozi

Assistant Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

This research aims to study the level of social participation and cultural factors affecting it in the less developed counties of Javanroud and Ravansar of Kermanshah province from a sociological perspective. The research method is a (quantitative) survey and a questionnaire tool is used to collect data. The statistical population of this research is all citizens over 18 years of age living in the counties of Javanroud and Ravansar. The sample size of this research was 384 people who were selected by multi-stage cluster sampling method. The findings of the research indicate the average level of social participation in the counties of Javanroud and Ravansar, and there is a significant relationship between the independent variables (giving little importance to the time factor and the low level of aspirations and desires) with the dependent variable (social participation). The results of the regression analysis showed that, the independent variables explain 12.7 of the changes in the dependent variable, and among the factors affecting social participation, the variables of low level of aspirations and desires and giving less importance to the time factor are respectively more have had the most impact.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: Giving Less Importance to the Time Factor, Low Level of Aspirations and Desires, Social Participation, Javanroud and Ravansar.

مشارکت اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر آن
(مورد مطالعه: شهرستان‌های جوانرود و روانسر)

شهرام فاضلی^۱

عبدالرضا ادهمی^۲

فیض‌الله نوروزی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۸/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۶/۱۰

چکیده

این پژوهش بر آن است تا از منظر جامعه‌شناختی به بررسی میزان مشارکت اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر آن در شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته جوانرود و روانسر استان کرمانشاه بپردازد. روش تحقیق، پیمایشی (کمی) است و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهرستان‌های جوانرود و روانسر است. حجم نمونه این تحقیق ۳۸۴ نفر بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش، حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط در شهرستان‌های جوانرود و روانسر است و رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل (کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل ۱۲/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و از بین عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، متغیرهای پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و کم اهمیت دادن به عامل زمان به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را داشته‌اند.

واژگان کلیدی: پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، کم اهمیت دادن به عامل زمان، مشارکت اجتماعی، جوانرود و روانسر.

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

E-mail: a_adhami@iau-tnb.ir

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت به معنای شرکت کردن در یک موقعیت زندگی اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های گوناگون است که واجد سه مؤلفه داوطلبانه بودن، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری است. بنابراین مشارکت، جزء ضروری و جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره زندگی هر فرد بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است (۱۸: ۱۶۰).

مشارکت از قدیم با زندگی افراد گره خورده است و توجه به این موضوع، از ۲۰۰ سال پیش در نظام‌های اجتماعی و سیاسی جوامع غربی وجود داشته است، اما حاصل این توجه و تأکید بر نقش مشارکت به عنوان یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر توسعه تا حد زیادی پس از بعد شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه اتفاق افتاد که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از غرب به کشورهای در حال توسعه وارد شد. در تحقیق و ارزیابی از این برنامه‌ها، استفاده نکردن از مشارکت مردم، به عنوان عامل اصلی در شکست برنامه‌های مرتبط با توسعه معرفی شده است و پس از این تحقیق و ارزیابی، استراتژی‌های توسعه از مشارکت‌های مردمی به عنوان نیاز اصلی انسان یاد کردند. امروزه مشارکت را به عنوان یک فاکتور اصلی و جدایی‌ناپذیر در امر توسعه می‌بینند و هر روز بر ضرورت و اهمیت آن بیشتر تأکید می‌کنند، به گونه‌ای که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۳ آمده است: «موضوع مشارکت مردم، رفته رفته به صورت مسأله اصلی زمان ما در می‌آید» (۱: ۷۴).

بر اساس اجماع نظری، ایران معاصر در وضعیت گذار می‌باشد و برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی، به ناچار بایستی به مطالعه وضعیت مشارکت و عوامل و موانع مؤثر بر آن بپردازند (۷: مشارکت-های غیررسمی که سابقه‌ای طولانی مدت دارد با وجود تحولاتی که در یک صد سال اخیر اتفاق افتاده است، هم‌چنان هم در جامعه ایران پررنگ است و با جرأت می‌توان گفت در طول تاریخ همیشه بر مشارکت رسمی و نهادمند در این سرزمین برتری داشته است. ساختن مساجد و حسینیه‌ها، برگزاری مراسمات مذهبی در ایام و مناسبت‌های خاص، مشارکت در مراسمات عروسی و عزا و مشارکت‌های مردم در قالب‌هایی مانند بنه و واره را می‌توان به عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیررسمی در این سرزمین بر شمرد. با نگاه کردن به تجربه‌های مشارکتی در میان روستاییان و عشایر می‌توان دریافت که مشارکت آن‌ها بیشتر در کارهای اقتصادی و به علت‌هایی چون جبر جغرافیایی و شرایط مرتبط با زندگی‌شان بوده است. با گذشت زمان و در عصر جدیدتر، اولین الگوهای مشارکت که در سطح جامعه ایران به تاسی از تحولات کشورهای اروپایی به خصوص کشور فرانسه ایجاد شد، تأسیس مجلس شورای ملی و در ادامه، انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل انجمن‌های بلدیه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و در نهایت، انقلاب اسلامی سال ۵۷ و برگزاری انتخابات می‌باشد، که همه آن‌ها را می‌توان از مصادیق مشارکت‌های رسمی در کشورمان برشمرد (۱۹).

اگرچه در جامعه ایران به لحاظ تاریخی، مفهوم مشارکت و معادل‌های محلی و بومی آن مثل همیاری و تعاون قدمت زیادی در حیات فرهنگی و اجتماعی مردم دارد، ولی برداشت‌های جدیدتر از مشارکت که مبتنی بر مقدم بودن عمل اجتماعی است، نه فقط سابقه زیادی ندارد، بلکه این گونه به نظر می‌رسد که در عرصه‌های مختلف، به هیچ وجه نهادینه نشده است. مشارکت در فکر و عمل مردم و مسئولان به عنوان یک رفتار بازتاب دهنده که چندان هم فعّالانه نیست و به دنبال اهداف ابزاری در موقعیت‌های خاص که عمده آن‌ها سیاسی می‌باشد در پاسخ به درخواست‌های مسئولان که به دنبال کسب مشروعیت هستند، کاهش یافته است. اگر چه در سال‌های اخیر با طرح شدن مفاهیمی مانند حقوق شهروندی و جامعه مدنی و ... ادبیات مشارکت به معنای نوین در نظر اندیشمندان و نخبگان بسط پیدا کرده است، اما هنوز هم تا نهادینه شدن آن در سطح جامعه راه درازی در پیش دارد (۱۶۰: ۱۸).

قطعاً مردم آرزو دارند که در سطح جامعه به آن‌ها توجه شود و در رفع و رجوع کردن مشکلات اجتماعی سهمی داشته باشند و به عنوان شهروندان یک جامعه بتوانند نظرات خود را آزادانه بیان کنند و آن‌ها را پیگیری کنند، تا بدین ترتیب بتوانند در بهتر شدن محیط زندگی خود مؤثر واقع شوند، ولی غالب اوقات مشاهده می‌گردد، اگرچه شهروندان، نظرات، پیشنهادهای و توان‌مندی‌های مؤثری دارند، در یک حالت بی‌تفاوتی، بی‌توجهی و حتی گاهاً در ضدیت قرار می‌گیرند و نمی‌توانند فعّالانه مشارکت داشته باشند. در واقع می‌توان گفت، نمی‌توانند از حق شهروندی خود استفاده کنند. عدم توجه به این گونه بی‌تفاوتی‌ها و عدم توجه به مردم و خواسته‌های آن‌ها از طرف مسئولان، می‌تواند منجر به بحران مشارکت شود. بحران مشارکت یکی از مباحث جدی است و به حالتی تعبیر می‌شود که اراده مشارکت‌طلبانه مردم و تقاضاهای مردم که در جستجوی مشارکت است با ساختارهای اداری، سیاسی، حقوقی، عرفی و سنتی حاکم بر جامعه که ویژگی استبدادی و متمرکز را داراست در حالت ناهمخوانی و تضاد قرار می‌گیرد. این بحران مشارکت سرانجام منجر به بحران در نظام اجتماعی و مشروعیت می‌شود و به فروپاشی اجتماعی ختم می‌شود (۱۶۱: ۱۸).

میزان مشارکت مردم استان کرمانشاه در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی سال ۱۴۰۰، ۴۶ درصد بوده است (۲۳)، و براساس مصاحبه آمده به عمل آمده محقق با یک نفر از مسئولین درگیر مسأله مشارکت در شهر کرمانشاه، میزان مشارکت مردم شهرستان‌های جوانرود و روانسر در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی سال ۱۴۰۰ در مجموع پایین‌تر از حد متوسط بوده است. همچنین، میزان نرخ بیکاری استان کرمانشاه در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۲۵/۱ درصد رسیده که در این سال استان کرمانشاه در رتبه اول بیکاری کشور قرار داشته است، در این سرشماری میانگین نرخ بیکاری کشوری ۱۲/۶ درصد اعلام گردیده است (۱۵)، و میزان نرخ بیکاری شهرستان‌های جوانرود و روانسر طی این سال به ترتیب ۳۲/۶ درصد و ۳۱/۵ درصد بوده است و رتبه‌های سوم و چهارم را در بین ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در زمینه بیکاری داشته‌اند (۱۵).

علاوه بر این‌ها، پژوهش انجام شده با عنوان نقش فقر در مشارکت اجتماعی، سیاسی و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: محلات محروم شهر جوانرود) نیز مؤید این مسأله است که مشارکت اجتماعی و سیاسی در شهرستان جوانرود پایین‌تر از حد متوسط است و پژوهشگران این تحقیق بر این باورند که در این مناطق به علت کمبود امکانات اقتصادی، مردم توان برقراری ارتباط و مشارکت اجتماعی به شکل سازمان یافته را ندارند و ارتباط آن‌ها عموماً از نوع ارتباط درون‌گروهی و ارتباط با اقوام و خویشاوندان و روابط جانبی ناشی از وجود آن‌ها می‌باشد. به عقیده آن‌ها، ضعف مشارکتی باعث به وجود آمدن شرایطی شده است که فراگیری فقر را تثبیت می‌کند و ضعف قابلیت‌ها در کنار ضعف بودن مشارکت، هم باعث اضافه شدن آسیب‌های اجتماعی شده است و هم قابلیت‌هایی که می‌تواند بروز و ظهور داشته باشد را پنهان می‌کند و اجازه نمی‌دهد، ظرفیت‌های بالقوه‌ای که وجود دارد، خودنمایی کند و شکوفا شود و در خدمت پیشرفت و توسعه قرار گیرد (۲۱: ۶۱).

از دیگر مصداق‌های عینی و مشاهده شده توسط محقق در خصوص ضعف بودن مشارکت در سطح شهرستان‌های جوانرود و روانسر، می‌توان به کاهش مشارکت مردم در انجمن‌ها، جلسات، برنامه‌ها و اموری اشاره کرد که هدف آن‌ها اتخاذ تصمیماتی است که بتواند سرنوشت مردم یک منطقه و در بُعد وسیع‌تر یک کشور را تغییر دهد و ناگفته پیداست، طرح‌هایی که در سطح تصمیم‌گیری مشارکت آن‌ها ضعیف باشد، در مرحله اجرا نیز چندان موفقیتی ندارد. این آمارها نشان از مسأله بودن مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه دارد و به نظر می‌رسد داشتن عقایدی مانند کم‌اهمیت دادن به عامل زمان که باعث می‌شود، مردم این مناطق، ارزش و اهمیت چندان برای زمان قائل نباشند و مانند شهروندانی که زمان را به صورت دقیق ادراک نکنند و نیز باور مردم در خصوص پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات سبب می‌شود که با داشتن حداقل‌ها در شغل، تحصیلات، درآمد و سطح زندگی‌شان راضی باشند و میزان خواسته‌های آنان در سطح پایینی باشد. در نتیجه، این باورها بر مشارکت مردم این مناطق اثرگذار است. هم‌چنین، شهرستان‌های روانسر و مخصوصاً جوانرود، شهرستان‌های مرزی می‌باشد که دارای یک اجتماع سنتی و در حال گذار هستند، زمینه‌های ایلی-عشایری و طایفه‌ای را دارا می‌باشند و اکثریت ساکنین این مناطق دارای مذهب سنی (فرقه شافعی) می‌باشند که این موارد نیز بر روند مشارکت اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر می‌خواهیم بدانیم میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر در چه وضعیتی می‌باشد؟ و عوامل فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی را در این شهرستان‌ها که جزء مناطق کمتر توسعه یافته (بر اساس مصوبه هیأت وزیران سال ۱۳۸۸) استان کرمانشاه می‌باشد، مورد مطالعه و آزمون قرار دهیم تا مشخص شود که چه عواملی بر کاهش مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر تأثیر گذاشته‌اند؟

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

مبانی نظری این تحقیق از آرا صاحب‌نظران مکتب نوسازی قدیم و روان‌شناسان اجتماعی گرفته شده است. اندیشمندان مکتب نوسازی قدیم بر تمایز و تفکیک دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید دارند، آن‌ها برای جامعه مدرن یک سری ویژگی‌ها قائل هستند که از آن جمله می‌توان، داشتن تکنولوژی‌های مدرن، ثبات سیاسی، اقتصاد پیشرفته، سازمان‌های اجتماعی با وظایف تفکیک شده، بالا بودن سطح بهداشت و درمان و تحصیلات را برشمرد. متناسب با این ویژگی‌های بیرونی و عینی، طرز تفکر و رفتار اجتماعی افراد نیز دچار دگرگونی شده و مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان تغییر می‌کند. در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که هنوز به سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نرسیده است و مشکلات و مسائل ناشی از عدم توسعه، سبب مشارکت کم‌رنگ در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد جوامع توسعه یافته و افرادی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در مراتب بالاتری قرار دارند، انگیزه‌های بیشتری برای مشارکت اجتماعی و سیاسی دارند (۱۹). دانیال لرنر^۱ با بررسی‌هایی که در زمینه نوسازی انجام داده است به دنبال اشاعه فرآیندهایی است که موجبات نوسازی کشورهای صنعتی را فراهم کرده است. او دو نوع جامعه را مدنظر دارد که ویژگی‌های اساسی آن‌ها با هم متفاوت است: جامعه سنتی و جامعه جدید. به نظر وی در جامعه سنتی، سطح تحصیلات و سواد، دسترسی به رسانه‌های جمعی، شهرنشینی و در نهایت روابط اجتماعی نسبت به شهر ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر است و در نتیجه مشارکت اجتماعی و سیاسی در بین آن‌ها وجود ندارد. لرنر متغیرهای ذکر شده را در جامعه جدید و مدرن پیدا می‌کند و از آن به عنوان یک جامعه مشارکتی نام می‌برد. وی تفاوت بین جامعه سنتی و مدرن را در این متغیرهای مشارکتی می‌بیند و بر این اساس بین جوامع، تفکیک و تمایز قائل می‌شود و اعتقاد دارد، سبک جامعه سنتی و مدرن به فراوانی مشارکت بستگی دارد (۲۴).

به اعتقاد کولین^۲، توسعه برخاسته از ساختار اجتماعی جوامع است. وی آماده بودن اذهان و داشتن انگیزه‌های شخصی را در تحقق مشارکت و توسعه مؤثر می‌داند و بر آن تأکید دارد. مشارکت اجتماعی مؤثر، مستلزم داشتن انگیزه‌های شخصی است و قبل از این که مشارکت عینیت پیدا کند، مستلزم داشتن ذهنیت مناسب است که بایستی آن را در تفکرات، عقاید و فرهنگ عامه مردم جستجو کرد. به این منظور و برای درونی کردن فرهنگ مشارکت باید تفکرات قالبی و پیش ساخته‌های ذهنی را متحول و دگرگون کرد و این امر را نمی‌توان جز با کار فرهنگی انجام داد (۱۹).

لیپست^۳ تلاش می‌کند بر اساس متغیرهای اجتماعی پدیده مشارکت و عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند و پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه‌های مختلف را

1. Lerner.

2. Colin.

3. Lipset.

بر اساس عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بررسی کند. وی در پژوهش خود در کشورهای مختلف، به بررسی ویژگی‌های اجتماعی افرادی که مشارکت بیشتری دارند، پرداخته است. «این ویژگی‌ها عبارتند از: منزلت اجتماعی بالا، متأهل بودن، درآمد بالا، فعالیت سیاسی، تحصیلات بالا، شغل بهتر، نژاد سفید، مردان، افراد میانسال، اعضای شوراها و سازمان‌های عمومی» (۶).

به اعتقاد هلی^۱ مشارکت اجتماعی همان مشارکت افراد در گروه‌ها و جمع‌های خارج از خانواده و در عرصه سیاسی شامل مشارکت در گروه‌های فشار و احزاب سیاسی است. این مشارکت داوطلبانه که با عضویت فعال افراد توأم است و شامل مشارکت افراد در گروه‌های خارج از خانواده و گروه‌های فشار و سازمان سیاسی می‌باشد، هلی آن‌ها را دو بخش تقسیم می‌کند:

- مشارکت رسمی یا نهادی که شامل مشارکت در انجمن‌ها، سازمان‌ها، باشگاه‌ها یا کلوپ‌ها می‌باشد؛

- مشارکت غیر نهادی یا غیررسمی، شامل مشارکت در گروه‌هایی با فاصله‌های اجتماعی نامنظم مثل گروه‌های خیریه که برای کمک به افراد خاص و محرومان تشکیل شده است و یا شرکت در فعالیت‌هایی که به صورت سازمان یا مؤسسه نیستند، ولی می‌توان روی آن‌ها حساب باز کرد و نسبتاً دائمی‌اند، مثل گروه‌های تفریحی و موسیقی و ... (۲۰: ۱۴۰).

از میان نظریه‌پردازان کلاسیک توسعه و نوسازی، از راجرز^۲ می‌توان به عنوان جامعه‌شناسی نام برد که تأکیدش بر متغیرهای فردی و عناصر نظام شخصیتی افراد بوده و در قالب بحث خرد فرهنگ دهقانی و روستایی به بررسی برنامه‌های نوگرایی و مشارکت و عدم مشارکت در میان دهقانان و روستاییان پرداخته است. راجرز در تحلیل خود بر ویژگی‌های روانی، انگیزشی و فردی تأکید داشته و عقیده دارد از لحاظ روانی بایستی نوعی آمادگی برای پذیرش تغییرات نو و جدید در افراد وجود داشته باشد که آن‌ها را تحت عنوان وجه نظر^۳ مطرح می‌کند. به نظر وی عناصری همانند ارزش‌ها، انگیزه‌ها و وجه نظرها که در قالب خرد فرهنگ دهقانی طرح شده‌اند - عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار افراد به شمار می‌آیند. او عناصر خرد فرهنگ دهقانی را عناصری می‌داند که مانع پذیرش تغییرات جدید، نوآوری و همچنین نوسازی، تجدّد و مشارکت اجتماعی می‌باشد. این عناصر عبارتند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشمپوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، کم اهمیت دادن به عامل زمان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی (۱۶). اگر بخواهیم به جایگاه مشارکت در نظریه راجرز اشاره کنیم، از برآیند نظر وی این گونه استنباط می‌شود که مشارکت مترادف توسعه است و می‌توان مشارکت

1. Helly.

2. Rogers.

3. Attitude.

را عنصر کلیدی در فرآیند توسعه به حساب آورد، که به واسطه آن می‌توان به پیشرفت و توسعه دست یافت و سنت و عناصر خرده فرهنگ دهقانی نیز مانع رسیدن به مشارکت اجتماعی و توسعه می‌باشد.

دیدگاه زمانی محدود

در فرهنگ‌های مختلف ارزش و اهمیت زمان متفاوت است. در اکثریت جوامع، مردم روستایی فاقد درجه‌ای از آگاهی در مورد زمان هستند که سرمایه‌داران ارضی و شهرنشینان از آن برخوردارند. زندگی روستایی و دهقانی بر اساس ثانیه، دقیقه و ساعت‌ها نمی‌چرخد بلکه سنجش زمان بر پایه طلوع و غروب خورشید و آمدن و رفتن ماه و یا به وسیله فصل‌ها و سال‌های دراز و طولانی استوار است. به طور عموم، دهقانان تمایل دارند تا زمان را به صورت خام نگاه کنند و مانند افراد شهرنشین، درک درستی از ارزش و اهمیت زمان ندارند. دهقانان خرده پا گرایش دارند تا به میزان کمتری بر زمان تأکید داشته کنند و کاشت و برداشت در روز مشخص و برنامه‌های پنج ساله برای آنان کارکرد و ضرورتی ندارد. راجرز بر این باور است که دهقانان درک درستی از زمان ندارند و آینده‌نگر هم نیستند و گرایش به تفکر، بیشتر نسبت به گذشته و حال وجود دارد تا نسبت به آینده، و این مسأله به عناصر مرتبط با خرده فرهنگ آن‌ها همانند تقدیرگرایی و عدم چشمپوشی از منافع آتی به خاطر کسب منافع آتی ارتباط دارد (۴: ۶۳).

پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات^۱

خواسته‌های اجتماعی عبارتست از حالات مطلوب در: شغل، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و سطح زندگی در آینده؛ اکثر محققان روستایی معتقدند که میزان خواسته‌ها و آرزوها در جامعه دهقانی پایین است. مثلاً لوئیس^۲ اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد اکثر دهقانان تپوزتکانز^۳ فاقد انگیزه قوی بوده و هیچ گونه جاه‌طلبی برای پیشرفت فردی ندارند. به نظر وی اگر دهقانان از این خرمن تا خرمن دیگر، غذای کافی و لباس در اختیار داشته باشند راضی هستند. مطالعات راجرز در چهار روستای کلمبیا نشان می‌دهد که آرزوهای شغلی و تحصیلی برای فرزندان در میان دهقانان در مقایسه با سرمایه‌داران ارضی که در همان دهات زندگی می‌کنند، ضعیف‌تر است. میزان متوسط سال‌های تحصیل که سرمایه‌داران ارضی برای فرزندان خود آرزو کرده‌اند دو برابر میزان متوسطی است که دهقانان خرده‌پا برای فرزندان خود آرزو داشته‌اند. این تفاوت شدید، از نشانه‌های پایین بودن میزان آرزوها در میان دهقانان خرده‌پا است. فاستر^۴ اشاره می‌کند که محسنات کار شدید و عقل معاش که در میان اقوام انگلوساکسون دیده می‌شود در جوامع دهقانی بی‌معنی است (۴: ۶۰).

^۱ Low aspirational levels.

^۲ Lewis.

^۳ Tepoztecan.

^۴ FASTER

به نظر راجرز و صاحب‌نظران مکتب‌نوسازی قدیم، عناصر خرده فرهنگ دهقانی مانند کم‌اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات که در جوامع توسعه نیافته وجود دارد، مانع تغییر و نوسازی و مشارکت اجتماعی می‌باشد و آن‌ها معتقدند ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های افراد که مبتنی بر کم‌اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات است، با توسعه سازگاری ندارند و تغییرات جدید، باید از طریق نوسازی انجام شود. یعنی این افراد باید در معرض پراکنش اطلاعات قرار گیرند تا نوسازی اتفاق بیفتد.

پیشینه تجربی پژوهش

زارعی و علمی (۱۴۰۲)، در مقاله «بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی با احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تبریز» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، نتایج پژوهش بیانگر این است که میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تبریز از وضعیت متوسطی برخوردار است و از میان ابعاد سه‌گانه احساس امنیت اجتماعی: امنیت جانی و مالی و سیاسی به ترتیب بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین رضایت از زندگی و مشارکت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. میزان احساس امنیت اجتماعی بر اساس سطح تحصیلات متفاوت بود، ولی بر اساس جنسیت تفاوتی نداشت.

فاضلی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان‌های جوانرود و روانسر)» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، یافته‌های پژوهش حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط در این دو شهرستان است و رابطه معنی‌داری بین متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی، تحصیلات، سن و جنسیت) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) وجود دارد. اما بین متغیر طبقه اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه $0/393$ می‌باشد و متغیرهای مستقل، $14/6$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و از بین عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، فقط متغیرهای سن و تقدیرگرایی به ترتیب تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج نشان داد، تقدیرگرایی محرک مشارکت اجتماعی می‌باشد.

لطفعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: مناطق ۸ گانه شهر اهواز)» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند مشارکت اجتماعی زنان از مردان بیشتر بوده است و بین متغیرهای تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی، دین‌داری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، جنس و سن) با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود داشته است ولی بین بی‌قدرتی و مشارکت رابطه

معنادار و معکوس وجود داشته است. بین سن و جنس با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه‌ای مشاهده نشده است.

نیازی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و پایداری نسبت به تمایل مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، متغیرهای اعتماد اجتماعی و پایداری به ترتیب ۲۲ درصد و ۱۵ درصد از عامل تمایل به مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. بنابراین متغیرهای اعتماد اجتماعی و پایداری بر تمایل به مشارکت اجتماعی مؤثرند و می‌توان تمایل به مشارکت را بر اساس این متغیرها تبیین نمود. نتایج آزمون تی نشان داد که وضعیت اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر کاشان متوسط و در حد مطلوب و وضعیت پایداری در بین شهروندان شهر کاشان در حد نامطلوب و ضعیف می‌باشد.

آقاجانی رفا و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «تحلیل بر همکنش عوامل تأثیرگذار در مشارکت اجتماعی در نظریه شبکه کنشگر لاتور با استفاده از روش کیفی زمینه‌ای در بازار تاریخی تبریز» که با رهیافت کیفی از نوع گراند تئوری انجام شده است، بیان کردند، ارتقای مؤلفه فضایی بازار تاریخی تبریز در گرو افزایش آگاهی بازاریبان و ایجاد نقش مثبت برای آن‌ها در انواع تصمیم‌گیری‌های مختلف است. فرآیند ایجاد فرصت‌های برابر، منجر به تقویت آگاهی شهروندان می‌شود و به جایگاه مردم به مثابه راه‌حل، ارج نهاده می‌شود. در این بین، تقویت ساختارهای اقتصادی و همچنین تقویت حس تعلق خاطر می‌تواند نقشی دو چندان را ایفا نماید.

کرم‌پور و یوسفوند (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز در روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله» که با رهیافت کیفی (مصاحبه عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده مشارکتی) انجام شده است، بیان کردند، عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز در منطقه مورد بررسی انطباق نداشته و نه تنها مانعی برای توسعه نبوده، بلکه در بعضی موارد محرک نیز بوده است و با توجه به یافته‌های پژوهش، خرده فرهنگ بومی و سنتی، نه به عنوان مانع و معارض، بلکه پناهگاه و رقیبی برای توسعه است. یافته‌های آن‌ها بیانگر تاثیر خرده فرهنگ محلی بر توسعه روستاهای مورد بررسی است.

احمدرش، دانش مهر و شاکری (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی روستاییان در بخش لاجان شرقی شهرستان پیرانشهر» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه انجام شده است، بیان کردند، وضعیت عناصر خرده فرهنگ دهقانی در جامعه مذکور و بسیاری نگرش‌ها و مفاهیم موافق توسعه، نسبتاً خوب است و به جز در موارد نادر همانند تقدیرگرایی که در جامعه مورد بررسی، بیشتر جنبه مذهبی دارد، سایر عناصر در سطح بسیار نازلی قرار دارند.

باثریسویل و اوریس^۱ (۲۰۲۳)، در مقاله «مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در میان سالمندان: تنوع شیوه‌ها و نابرابری اجتماعی در سوئیس» که با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، نتایج ما اهمیت ترکیب اشکال چندگانه مشارکت را برای رضایت از زندگی برجسته کرد و نشان داد که برخی از اشکال از جمله مشارکت در انجمن‌ها، ملاقات با خانواده یا دوستان و حضور در کلیسا بسیار معنادار هستند. هنگام مقایسه تفاوت‌های میان سالمندان، داشتن طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی، درگیر شدن در گروه‌ها و حفظ ارتباط خصوصی با غریبه‌ها، منحصر به فردتر به نظر می‌رسد. بر خلاف اهمیت جامعه‌پذیری نهادینه شده و خصوصی برای رضایت از زندگی سالمندان، سنتی‌ترین اشکال ادغام، مانند خانواده و مذهب، برای قشر آسیب‌پذیرتر حیاتی هستند.

تولیا^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، در مقاله «ارزیابی کیفی یک برنامه مداخله‌ای برای تقویت مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان اجرا شده توسط معلمان مدارس ابتدایی یونانی و پرتغالی» که با رهیافت کیفی (مصاحبه) انجام شده است، بیان کردند، مداخله در بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و جو کلی کلاس درس موفق تلقی می‌شود. مزایای خاص برای دانش‌آموزان دارای معلولیت و برای کسانی که از پیشینه‌های نژادی یا قومیتی اقلیت هستند، دارد. به طور کلی، برنامه فرند شپ^۳ به عنوان یک مداخله آسان برای اجرای با ساختار و محتوای مرتبط تلقی می‌شود و به عنوان بسیار امیدوار کننده در تقویت مشارکت اجتماعی همه دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود.

هانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله «مزایا و موانع: یک مطالعه کیفی در مورد مشارکت اجتماعی آنلاین در میان سالمندان بیوه در جنوب غربی چین» که با رهیافت کیفی (مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق) انجام شده است، بیان کردند، مشارکت اجتماعی افراد مسن بیوه در جنوب غربی چین شروع به ادغام در دنیای دیجیتال کرده است. اگر چه موانع و چالش‌هایی در مشارکت اجتماعی آنلاین وجود دارد، اما سالمندان بیوه می‌توانند از مزایای آن بهره‌مند گردند، زیرا می‌تواند به عنوان یک اقدام مهم برای تسهیل زندگی رضایت‌بخش و پیری موفق مورد استفاده قرار گیرد. بی‌شک مشارکت اجتماعی آنلاین در آینده قابل پیش‌بینی به یک روند تبدیل خواهد شد. خانواده، دوستان و متخصصان مراقبت‌های بهداشتی باید توجه بیشتری به نیازهای مشارکت اجتماعی آنلاین در سالمندان بیوه داشته باشند و حمایت کافی از آن‌ها را ارائه دهند.

کیویمکی^۵ و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله «مشارکت والدین در معاینات بهداشت مدارس برای فرزندان نوجوان خود در فنلاند» که با روش پیمایشی انجام شده است، بیان کردند، مشارکت والدین در معاینات

1. Baeriswyl & Oris.

2. Toulia.

3. Friend-ship.

4. Hong.

5. Kivimäki.

بهداشتی مدرسه می‌تواند، بهزیستی نوجوانان را ارتقا دهد. کمتر از نیمی از نوجوانان مشارکت والدین را گزارش کردند. عدم مشارکت با شکایات روزانه سلامتی، نوشیدن زیاد الکل، تحصیلات پایین مادر، مشکلات بحث با والدین و سابقه مهاجرت دانش‌آموزان همراه بود. پسران و آن‌هایی که هم با مادر و هم با پدر زندگی نمی‌کردند، خطر بیشتری برای عدم مشارکت والدین داشتند. نوجوانان مبتلا به بیماری طولانی مدّت یا مورد آزار و اذیت، بیشتر مشارکت را گزارش کردند.

یورنته^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله «مشارکت اجتماعی در علم: دیدگاه سازمان‌های جامعه مدنی اسپانیا» که با رهیافت کیفی (مصاحبه نیمه ساختار یافته) انجام شده است، بیان کردند، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه فعلی بین سازمان‌های جامعه مدنی و سیستم تحقیقاتی نشان می‌دهد که: الف) سازمان‌های جامعه مدنی عمدتاً در یک لحظه تحقیقاتی در علم مشارکت می‌کنند و از پتانسیل خود بی‌اطلاع هستند. ب) کمبود منابع، دانش متقابل و توانایی‌ها را به عنوان موانعی برای مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی شناسایی می‌کنیم. ج) نیاز به تقویت پیوند بین سازمان‌های جامعه مدنی و پژوهش از طریق آموزش در روش‌های مشارکتی و مهارت‌های ارتباطی، ترویج تحقیقات مشارکتی، افزایش درک متقابل و همسویی تحقیقات و اهداف سازمان‌های جامعه مدنی وجود دارد.

هیس^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله «علوم شهروندی در مدارس: پیش‌بینی‌ها و پیامدهای مشارکت در تحقیقات سیاسی داوطلبانه» که با روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، زنان علاقه‌مندتر به لحاظ سیاسی و علمی، و نوجوانان کارآمدتر از نظر علمی، انگیزه بیشتری برای یادگیری از این پروژه داشتند. اثربخشی علم نیز به طور مثبت با انگیزه پاداش خارجی (یعنی برنده شدن جایزه) مرتبط بود. هم یادگیری و هم انگیزه پاداش خارجی، احتمال مشارکت را افزایش دادند. پیش و پس اندازه‌گیری بیشتر نشان داد که مشارکت در پروژه، اندکی علاقه علمی را افزایش می‌دهد، اما کارایی علمی را افزایش نمی‌دهد. با این حال، علاقه و کارآمدی سیاسی را هم افزایش داد. داده‌ها کاهش اثربخشی علمی و علاقه را در کسانی که در پروژه شرکت نکردند، نشان داد که نشان دهنده شکاف فزاینده در مشارکت علمی نوجوانان است.

تاکنون تحقیقات گوناگونی در خصوص مشارکت اجتماعی در بین گروه‌های مختلف در داخل و خارج کشور انجام شده است که به بررسی و تأثیر سایر متغیرها بر مشارکت اجتماعی و بر عکس پرداخته‌اند، اما پژوهش‌های انجام شده در حوزه مشارکت اجتماعی در ایران، بیشتر در مناطق و شهرهای توسعه یافته و با ساختار و بافت منسجم انجام شده است و کمتر در مناطق توسعه نیافته و سنتی به بحث در خصوص مشارکت اجتماعی پرداخته شده است و به ندرت تحقیقی در خصوص مشارکت اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر آن در مناطق محروم انجام شده است، که در این زمینه خلاءهای پژوهشی احساس شد

¹ Llorente.

² Heiss.

و از این لحاظ که تحقیق در یک بافت متفاوت (توسعه نیافته) انجام شده است، دارای نوآوری است در نتیجه، این‌ها می‌تواند وجه تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- بین کم اهمیت دادن به عامل زمان و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از حیث اهداف تحقیق، تبیینی، از نظر کاربرد، کاربردی، از نظر روش، پیمایشی، از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر^۲ است. براساس نوع داده و تحلیل نیز، کمی (پیمایشی) است و به لحاظ زمانی مقطعی است.

جمعیت تحقیق در این پژوهش را کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان‌های جوانرود و روانسر تشکیل می‌دهند که براساس آخرین سرشماری انجام شده (سال ۱۳۹۵) به تعداد ۱۲۲۸۲۶ نفر (شهرستان جوانرود با ۲ بخش و ۱۰۱ روستا با جمعیت ۷۵۱۶۹ و شهرستان روانسر نیز با دو بخش و ۱۳۹ روستا، با جمعیت ۴۷۶۵۷ نفر) می‌باشند. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و تعداد آن ۳۸۴ نفر به دست آمد، که ۳۸۴ نفر مجموع دو شهر خواهد بود و پرسشنامه به تناسب جمعیت بین ۲ شهر تقسیم شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است.

با توجه به روش نمونه‌گیری انتخاب شده، در مرحله اول بین کلیه محله‌های شهرستان جوانرود (محله فرهنگیان فاز ۱، محله فرهنگیان فاز ۲، محله فرهنگیان فاز ۳، محله پاسداران، شهرک سلیم‌زاده، محله بیمارستان، محله باباجانی، محله هلالیه، محله سنجابی، شهرک دادگستری، شهرک علی‌زاده، محله شاهوردی، محله قرگه، محله مسکن مهر مولوی و محله مسکن مهر هلالیه) که پانزده محله می‌باشد، قرعه‌کشی گردید و یک محله یعنی محله فرهنگیان فاز ۳ از بین قرعه‌ها انتخاب گردید. در مرحله دوم بین کلیه کوچه‌های محله فرهنگیان فاز ۳ (چنار ۱، چنار ۲، شمشاد ۱، شمشاد ۲، سرو ۱، سرو ۲، نارون ۱ و نارون ۲) که هشت کوچه می‌باشد، قرعه‌کشی گردید و چهار کوچه (شمشاد ۱، شمشاد ۲، چنار ۱ و نارون ۱) از بین قرعه‌ها انتخاب گردید، که با مراجعه به درب منازل به اتفاق یک نفر دستیار آماری بومی،

^۱. Method.

^۲. Extensive.

تمام‌شماری انجام شد. در مرحله بعد، بین کلیه روستاهای شهرستان جواترود (۱۰۱ روستا) نیز قرعه‌کشی گردید و از بین قرعه‌ها، یک روستا یعنی روستای سرود سفلی، انتخاب شد که با مراجعه به روستای مذکور تمام‌شماری انجام شد. با توجه به این که نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه، به عنوان روش نمونه‌گیری انتخاب شده بود، از بین ۷۵۱۶۹ نفر جمعیت شهرستان جواترود، تعداد ۵۴۳۵۴ نفر در شهر (۷۲ درصد جمعیت) ساکن بودند. بنابراین ۷۲ درصد پرسشنامه‌ها، یعنی تعداد ۱۴۴ پرسشنامه به شهرستان جواترود اختصاص پیدا کرد و ۲۸ درصد پرسشنامه‌ها یعنی تعداد ۵۶ پرسشنامه به روستای انتخاب شده (روستای سرود سفلی) اختصاص یافت.

در شهرستان روانسر نیز، در مرحله اول بین کلیه محله‌های آن شهرستان (محله کامیاران، محله گرمه‌خانی، محله خیابان بهار، محله هوشناسی، محله تازه‌آباد، محله فرهنگیان قدیم و جدید ۳ فاز، محله زمین شهری، محله بلوار معلم، شهرک ویس‌القرن و شهرک گل سفید) که ده محله می‌باشد، قرعه‌کشی گردید و یک محله یعنی محله هوشناسی از بین قرعه‌ها انتخاب گردید، سپس در مرحله دوم، با توجه به کوچک بودن محله و کم بودن تعداد کوچه‌های آن، کلیه کوچه‌های محله هوشناسی (کوچه شقایق ۶، کوچه شهیده فیروزه رضایی، کوچه خیام ۴، کوچه شقایق ۸، کوچه شهیده مولود کرمی و کوچه ربیوار ۲) که شش کوچه می‌باشد، تمام‌شماری شد. در مرحله بعد، بین کلیه روستاهای شهرستان روانسر (۱۳۹ روستا) قرعه‌کشی گردید و از بین قرعه‌ها یک روستا یعنی روستای ده لیلی انتخاب شد که با مراجعه به روستای مذکور تمام‌شماری انجام شد. با توجه به این که نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه به عنوان روش نمونه‌گیری انتخاب شده بود، از بین ۴۷۶۵۷ نفر جمعیت شهرستان روانسر، تعداد ۲۸۰۸۵ نفر در شهر (۵۹ درصد جمعیت) ساکن بودند، بنابراین ۵۹ درصد پرسشنامه‌ها یعنی تعداد ۱۱۸ پرسشنامه به شهرستان روانسر اختصاص پیدا کرد و ۴۱ درصد پرسشنامه‌ها یعنی تعداد ۸۲ پرسشنامه به روستای انتخاب شده (روستای ده لیلی) اختصاص یافت.

در پژوهش حاضر متغیرهای مستقل، کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات است و متغیر وابسته، مشارکت اجتماعی است که به تعریف نظری و عملیاتی آن‌ها می‌پردازیم. تعریف نظری مشارکت اجتماعی: تعریف نظری ما از این متغیر با الهام از تعریف هللی عبارت است از مشارکت افراد در گروه‌ها و جمع‌های خارج از خانواده و در عرصه سیاسی شامل مشارکت در گروه‌های فشار و احزاب سیاسی است. این مشارکت داوطلبانه که با عضویت فعال افراد توأم است و شامل مشارکت افراد در گروه‌های خارج از خانواده، گروه‌های فشار و سازمان سیاسی می‌باشد، هللی آن‌ها را دو بخش تقسیم می‌کند:

- مشارکت رسمی یا نهادی که شامل مشارکت در انجمن‌ها، سازمان‌ها، باشگاه‌ها یا کلوپ‌ها می‌-

باشد؛

- مشارکت غیر نهادی یا غیررسمی شامل مشارکت در گروه‌هایی با فاصله‌های اجتماعی نامنظم مثل گروه‌های خیریه که برای کمک به افراد خاص و محرومان تشکیل شده است و یا شرکت در فعالیت‌هایی که به صورت سازمان یا مؤسسه نیستند، ولی می‌توان روی آن‌ها حساب باز کرد و نسبتاً دائمی‌اند، مثل گروه‌های تفریحی و موسیقی و ... (۲۰: ۱۴۰).

تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی بر اساس تعریف هلی عملیاتی شده است که شامل مشارکت رسمی و غیررسمی می‌باشد. منظور از مشارکت رسمی، مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) است. برای سنجش مشارکت رسمی از ۵ گویه محقق ساخته استفاده شده است که شامل: (۱) شرکت در فعالیت‌های بسیج؛ (۲) شرکت در انجمن اولیا و مربیان؛ (۳) مشارکت در تعاونی‌های شهری و روستایی؛ (۴) شرکت در نماز جماعت؛ (۵) شرکت در راهپیمایی‌ها می‌باشد که در یک طیف پنج‌گزینه‌ای با نمرات مشخص (خیلی زیاد (۴)، زیاد (۳)، تا حدودی (۲)، کم (۱) و خیلی کم (۰)) پرسیده شده است.

منظور از مشارکت غیررسمی، مشارکت‌های اتفاقی (نامنظم) و مشارکت پایدار است. برای سنجش مشارکت غیررسمی از ۴ گویه محقق ساخته استفاده شده است که شامل: ۱. کمک به مردم آسیب دیده در رفع مشکلات مانند زلزله و ...؛ ۲. پرداخت صدقه و کمک به افراد مستمند؛ ۳. مشارکت در مراسم عزا و شادی بستگان، همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها؛ ۴. مشارکت در فعالیت عمرانی محلی مثل ساخت مساجد و اماکن مذهبی و ... می‌باشد که در یک طیف پنج‌گزینه‌ای با نمرات مشخص (خیلی زیاد (۴)، زیاد (۳)، تا حدودی (۲)، کم (۱) و خیلی کم (۰)) پرسیده شده است.

تعریف نظری کم اهمیت دادن به عامل زمان: تعریف نظری ما از این متغیر با الهام از تعریف راجرز گرفته شده است. به نظر وی، زندگی دهقانی براساس ثانیه، دقیقه و یا ساعت‌ها نمی‌چرخد، بلکه سنجش زمان بر طلوع و غروب خورشید، درآمدن یا پنهان شدن ماه و یا به وسیله فصول و سال‌های دراز و بی-پایان استوار است (۴).

تعریف عملیاتی کم اهمیت دادن به عامل زمان: کم اهمیت دادن به عامل زمان بر اساس تعریف راجرز عملیاتی شده است که در این پژوهش با اهمیت وقت‌شناسی، داشتن برنامه زمانی مشخص در طول هفته و به طور روزانه و اعتقاد به انجام فعالیت‌ها در روز و ساعت مشخص سنجیده شده است. برای سنجش متغیر کم اهمیت دادن به عامل زمان از ۴ گویه استاندارد شده پژوهشگران خارجی (راجرز، مک-کله‌لند و ...) و داخلی (ازکیا، محسنی تبریزی، غفاری و ...) پس از بومی‌سازی، استفاده شده است. گویه‌های این متغیر شامل: (۱) برای انجام کارهای خود در طول هفته برنامه زمانی مشخص دارم؛ (۲) در هر کاری که برنامه‌ریزی زمانی مشخصی داشته‌ام تقریباً موفق بوده‌ام؛ (۳) اگر در حین انجام فعالیت‌هایم

^۱ Mc Clelland.

ساعت نباشد، دچار سردرگمی می‌شوم؛ ۴) بدون وجود ساعت و زمان‌بندی دقیق، زندگی برایم غیر قابل تصور است. گویه‌ها در یک طیف پنج‌گزینه‌ای با نمرات مشخص (کاملاً موافقم (۴)، موافقم (۳)، تا حدودی (۲)، مخالفم (۱) و کاملاً مخالفم (۰)) پرسیده شده است.

تعریف نظری پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات: تعریف نظری ما از این متغیر با الهام از تعریف راجرز گرفته شده است به نظر وی، خواسته‌های اجتماعی عبارتست از حالات مطلوب در شغل، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و سطح زندگی در آینده. اکثر محققان روستایی معتقدند که میزان خواسته‌ها و آرزوها در جوامع دهقانی بسیار پایین است؛ لویس اشاره می‌کند، به نظر می‌رسد اکثر دهقانان تپوزتکانز^۱ فاقد انگیزه قوی بوده و هیچ‌گونه جاه‌طلبی برای پیشرفت ندارند. به نظر وی اگر دهقان از این خرمن تا خرمن دیگر، غذای کافی و لباس در اختیار داشته باشد راضی هستند (۴).

تعریف عملی پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات: پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات بر اساس تعریف راجرز عملیاتی شده است که در این پژوهش، داشتن آرزو و پیشرفت برای خود و فرزندان در شغل، تحصیلات، ثروت و سطح زندگی به عنوان شاخص‌هایی برای سنجش پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات در نظر گرفته شده است. برای سنجش متغیر پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات از ۴ گویه استاندارد شده پژوهشگران خارجی (راجرز، مک‌کله‌لند و ...) و داخلی (ازکیا، محسنی تبریزی، غفاری و ...) پس از بومی‌سازی، استفاده شده است. گویه‌های این متغیر شامل: ۱) تا به حال آرزو نکرده‌ام که به سفر خارج از کشور بروم؛ ۲) من به هر آنچه که در زندگی‌ام خواسته‌ام، رسیده‌ام و از خدا چیز بیشتری نمی‌خواهم؛ ۳) این که دیگران چقدر موفق شوند برایم اهمیتی ندارد و تلاشی جهت رقابت نمی‌کنم؛ ۴) من دنبال خوشبختی نمی‌گردم چون احساس می‌کنم خیلی خوشبختم. گویه‌ها در یک طیف پنج‌گزینه‌ای با نمرات مشخص (کاملاً موافقم (۴)، موافقم (۳)، تا حدودی (۲)، مخالفم (۱) و کاملاً مخالفم (۰)) پرسیده شده است.

پایایی^۲ ابزار تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۳ مورد آزمون قرار گرفت که با انجام پیش‌آزمون^۴ مقدار آلفای کرونباخ متغیرها که شامل مشارکت رسمی (۰/۷۹۰)، مشارکت غیررسمی (۰/۷۰۸)، کم‌اهمیت دادن به عامل زمان (۰/۷۱۵) و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات (۰/۷۱۸) می‌باشد، مشخص شد و نشان داد که سؤالات پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. اعتبار^۵ ابزار تحقیق با استفاده از اعتبار صوری^۶ به دست آمد. در اعتبار صوری، برای برآورد اعتبار تجربی معرف‌ها، از داوری اجتماع علمی استفاده می‌شود، که در این تحقیق برای افزایش اعتبار محتوای پرسشنامه، از موارد زیر استفاده گردید:

1. Tepozteicans.
2. Reliability.
3. Cronbach's alpha.
4. Pre-test.
5. Validity.
6. Content validity.

- استفاده از نظرات استاد راهنما و استاد مشاور و کارشناسان پژوهشی؛
 - مطالعه پرسشنامه‌های مشابه (استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و آزمون شده قبلی در پژوهش‌های مشابه). پس از تایید صاحب‌نظران که سؤال‌ها به متغیرهای مورد نظر مربوط است و می‌تواند آن‌ها را بسنجد، پرسشنامه وارد میدان تحقیق شد.
 برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، پژوهشگر داده‌های جمع‌آوری شده را توصیف و در بخش استنباطی جهت تعیین همبستگی متغیر مشارکت اجتماعی با متغیرهای کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

برای توصیف نتایج تحقیق از جدول (۱) استفاده شده است که نتایج در قالب آن نمایش داده شده است:

جدول شماره (۱): توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک تحصیلات، جنسیت، سن و وضعیت تأهل

نام متغیر	طبقات متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
تحصیلات	بیسواد	۷	٪ ۱/۸	٪ ۱/۸
	ابتدایی	۱۹	٪ ۴/۹	٪ ۴/۹
	سیکل	۴۱	٪ ۱۰/۷	٪ ۱۰/۷
	دیپلم	۱۰۲	٪ ۲۶/۶	٪ ۲۶/۶
	کاردانی	۵۰	٪ ۱۳/۰	٪ ۱۳/۰
	کارشناسی	۱۲۵	٪ ۳۲/۶	٪ ۳۲/۶
جنسیت	کارشناسی ارشد و بالاتر	۴۰	٪ ۱۰/۴	٪ ۱۰/۴
	مرد	۲۴۱	٪ ۶۲/۸	٪ ۶۲/۸
سن	زن	۱۴۳	٪ ۳۷/۲	٪ ۳۷/۲
	۳۰ سال و کمتر از ۳۰ سال	۱۷۸	٪ ۴۶/۴	٪ ۴۶/۴
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۲۵	٪ ۳۲/۶	٪ ۳۲/۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۵۸	٪ ۱۵/۱	٪ ۱۵/۱
وضعیت تأهل	بالاتر از ۵۰ سال	۲۳	٪ ۶/۰	٪ ۶/۰
	مجرد	۱۵۸	٪ ۴۱/۴	٪ ۴۱/۴
	متأهل	۲۲۱	٪ ۵۷/۶	٪ ۵۷/۶
	بدون همسر در اثر فوت	۰	٪ ۰	٪ ۰
	بدون همسر در اثر طلاق	۵	٪ ۱/۳	٪ ۱/۳

مطابق جدول (۱)، در بررسی حاضر از بین ۳۸۴ پاسخگوی مورد مطالعه در شهرستان‌های جوانرود و روانسر ۱/۸ درصد بیسواد، ۴/۹ درصد ابتدایی، ۱۰/۷ درصد سیکل، ۲۶/۶ درصد دیپلم، ۱۳/۰ درصد

کاردانی، ۳۲/۶ درصد کارشناسی و ۱۰/۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. در مجموع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. در خصوص وضعیت جنسیت پاسخگویان ملاحظه می‌گردد ۶۲/۸ درصد مرد و ۳۷/۲ درصد زن بودند. در مجموع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان مرد بودند. در خصوص وضعیت سن پاسخگویان، ملاحظه می‌گردد ۴۶/۴ درصد ۳۰ سال و کمتر از ۳۰ سال، ۳۲/۶ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۵/۱ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۶/۰ درصد بالاتر از ۵۰ سال بودند. در مجموع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر از ۳۰ سال بودند. در خصوص وضعیت تأهل پاسخگویان، ملاحظه می‌گردد که ۴۱/۱٪ مجرد، ۵۷/۶٪ متأهل، ۰٪ بدون همسر در اثر فوت و ۱/۳٪ بدون همسر در اثر طلاق بودند و در مجموع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان متأهل بودند.

جدول شماره (۲): توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک مشارکت اجتماعی و ابعاد آن، کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات

نام متغیر	طبقات متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین
مشارکت اجتماعی رسمی	پایین	۱۸۰	۴۶/۹	۴۶/۹	متوسط به پایین
	متوسط	۱۴۵	۳۷/۸	۳۷/۸	
	بالا	۵۹	۱۵/۴	۱۵/۴	
مشارکت اجتماعی غیررسمی	پایین	۳۸	۹/۹	۹/۹	متوسط به بالا
	متوسط	۱۵۹	۴۱/۴	۴۱/۴	
	بالا	۱۸۷	۴۸/۷	۴۸/۷	
مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی)	پایین	۱۰۰	۲۶/۰	۲۶/۰	متوسط
	متوسط	۱۹۹	۵۱/۸	۵۱/۸	
	بالا	۸۵	۲۴/۱	۲۴/۱	
کم اهمیت دادن به عامل زمان	پایین	۱۸	۴/۷	۴/۷	متوسط به بالا
	متوسط	۱۸۰	۴۶/۹	۴۶/۹	
	بالا	۱۸۶	۴۸/۴	۴۸/۴	
پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات	پایین	۵۴	۱۴/۱	۱۴/۱	متوسط به بالا
	متوسط	۱۷۵	۴۵/۶	۴۵/۶	
	بالا	۱۵۵	۴۰/۴	۴۰/۴	

مطابق جدول (۲)، در خصوص متغیر مشارکت اجتماعی رسمی از بین ۳۸۴ پاسخگوی مورد مطالعه ۴۶/۹ درصد پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی رسمی پایین، ۳۷/۸ درصد دارای مشارکت اجتماعی رسمی متوسط و ۱۵/۴ درصد دارای مشارکت اجتماعی رسمی بالا بودند. میانگین متغیر مشارکت اجتماعی رسمی، متوسط به پایین است. در خصوص متغیر مشارکت اجتماعی غیررسمی ۹/۹ درصد دارای مشارکت اجتماعی غیررسمی پایین، ۴۱/۴ درصد دارای مشارکت اجتماعی غیررسمی متوسط و ۴۸/۷ درصد دارای

مشارکت اجتماعی غیررسمی بالا بودند. میانگین متغیر مشارکت اجتماعی غیررسمی متوسط به بالا است. در خصوص متغیر مشارکت اجتماعی که از ترکیب متغیرهای مشارکت رسمی و غیررسمی سنجیده شده است، ۲۶ درصد دارای مشارکت اجتماعی پایین، ۵۱/۸ درصد دارای مشارکت اجتماعی متوسط و ۲۲/۱ درصد دارای مشارکت اجتماعی بالا بودند. میانگین متغیر مشارکت اجتماعی متوسط است. در خصوص متغیر کم اهمیتیت دادن به عامل زمان، ۴/۷ درصد اهمیتیت دادن به عامل زمان آن‌ها پایین، ۴۶/۹ درصد اهمیتیت دادن به عامل زمان آن‌ها متوسط و ۴۸/۴ درصد اهمیتیت دادن به عامل زمان آن‌ها بالا بوده است. میانگین متغیر اهمیتیت دادن عامل زمان متوسط به بالا است. در خصوص متغیر پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ۱۴/۱ درصد سطح آرزوها و تمایلات آن‌ها پایین، ۴۵/۶ درصد سطح آرزوها و تمایلات آن‌ها متوسط و ۴۰/۴ درصد سطح آرزوها و تمایلات آن‌ها بالا بوده است. میانگین سطح آرزوها و تمایلات پاسخگویان متوسط به بالا است.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های دو متغیره (ضریب همبستگی پیرسون) و برای بررسی آزمون‌های چند متغیره از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن‌ها آورده شده است.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات با مشارکت اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب تعیین
مشارکت اجتماعی	کم اهمیتیت دادن به عامل زمان	۰/۲۵۱	۰/۰۰	۰/۰۶
	پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات	-۰/۲۸۴	۰/۰۰	۰/۰۸

- بین کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق جدول (۳) و براساس آزمون همبستگی پیرسون ملاحظه می‌گردد که بین کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و مشارکت اجتماعی پاسخگویان همبستگی وجود دارد. میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و مشارکت اجتماعی ۰/۲۵۱، حجم نمونه ۳۸۴ نفر، سطح معناداری ۰/۰۰ و سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. جهت رابطه بین کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و مشارکت اجتماعی مثبت است، شدت همبستگی به دست آمده در حد کم و ضعیف است، ضریب تعیین ۰/۰۶ است که نشان می‌دهد متغیر کم اهمیتیت دادن به عامل زمان، ۶ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند، نتایج نشان می‌دهد با افزایش میزان اهمیتیت دادن به عامل زمان، مشارکت اجتماعی تا حد کمی افزایش پیدا خواهد کرد.

- بین پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق جدول (۳) و بر اساس آزمون همبستگی پیرسون ملاحظه می‌گردد که بین پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و مشارکت اجتماعی پاسخگویان همبستگی وجود دارد. میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و مشارکت اجتماعی $0/284$ -، حجم نمونه 284 ، سطح معناداری $0/00$ و سطح اطمینان 99 درصد می‌باشد. جهت رابطه بین پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات و مشارکت اجتماعی معکوس و منفی است. شدت همبستگی به دست آمده در حد کم و ضعیف است. ضریب تعیین $0/08$ است که نشان می‌دهد متغیر پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، 8 درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند، نتایج نشان می‌دهد با بالا رفتن سطح آرزوها و تمایلات، مشارکت اجتماعی تا حد کمی کاهش پیدا خواهد کرد.

رگرسیون چند متغیری

تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تعیین متغیر وابسته تبیین کند. شرط استفاده از رگرسیون، تایید شدن پیش‌فرض‌های آن است که به شرح زیر می‌باشد:

- بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و کم اهمیت دادن به عامل زمان رابطه خطی و مثبت وجود داشت و بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات رابطه خطی و منفی وجود داشت؛

- سطح سنجش متغیر ملاک (مشارکت اجتماعی) و متغیرهای پیش‌بین (کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات) فاصله ای / نسبی بود؛

- بالا بودن حجم نمونه که حداقل 10 برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین است؛

- بین متغیرهای مستقل رابطه خطی چندگانه وجود نداشت و میزان ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر مستقل $0/137$ - بود که احتمال وجود رابطه همخطی چندگانه بسیار کم است.

بنابراین، برای اندازه‌گیری میزان تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل از آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره و متد همزمان^۱ استفاده شده است.

مطابق جدول (۴) مقدار ضریب همبستگی چندگانه $0/356$ به دست آمده است که نشان دهنده همبستگی ضعیف بین مقادیر واقعی و مقادیر مشاهده شده متغیر ملاک است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده $0/127$ است و بدین معناست که متغیرهای پیش‌بین مدل توانسته‌اند $12/7$ درصد از واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند و به عبارت دیگر $12/7$ درصد از سهم واریانس متغیر مشارکت اجتماعی ناشی از متغیرهای مستقل (کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات) است.

¹. Enter.

جدول شماره (۴): خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره

شاخص های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
مقادیر	۰/۳۵۶	۰/۱۲۷	۰/۱۲۲	۷/۴۸۰۱۲

مطابق جدول (۵) نتایج نشان داد که متغیر پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات با ضریب بتای استاندارد شده $-۰/۲۵۵$ با جهت تأثیر و پیش‌بینی‌کنندگی منفی در مرتبه اول و متغیر کم اهمیتیت دادن به عامل زمان با ضریب بتای استاندارد شده $۰/۲۱۷$ با جهت تأثیر و پیش‌بینی‌کنندگی مثبت در مرتبه دوم، بر مشارکت اجتماعی اثر دارند.

جدول شماره (۵): میزان تأثیر متغیرهای کم اهمیتیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات بر متغیر مشارکت اجتماعی در رگرسیون چندمتغیره

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	Unstandardized coefficient	Std. Error	Beta	T
کم اهمیتیت دادن به عامل زمان	۰/۵۴۶	۰/۱۲۲	۰/۲۱۷	۴/۴۸۰
پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات	-۰/۵۷۳	۰/۱۰۹	-۰/۲۵۵	-۵/۲۷۲

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر آن در شهرستان‌های کمتر توسعه یافته جوانرود و روانسر استان کرمانشاه انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد میزان مشارکت اجتماعی در سطح شهرستان‌های مورد مطالعه در سطح متوسط است که با نتایج پژوهش نیازی و همکاران (۱۴۰۱)، و فاضلی و همکاران (۱۴۰۲)، همسو می‌باشد. با توجه به این که متغیر مشارکت اجتماعی از ترکیب متغیرهای مشارکت رسمی و غیررسمی سنجیده شده است، با بررسی‌های انجام شده و به صورت دقیق می‌توان گفت میزان مشارکت غیررسمی در این جوامع در سطح متوسط به بالا می‌باشد. بر عکس میزان مشارکت رسمی آن‌ها در سطح متوسط به پایین می‌باشد که نشان می‌دهد شهروندان چندان تمایلی به مشارکت در فعالیت‌های رسمی ندارند.

با توجه به این که دغدغه این پژوهش، پایین بودن میزان مشارکت مردم به ویژه مشارکت رسمی می‌باشد، دماسنج مشارکت اجتماعی در این مناطق با میزانی که نشان می‌دهد، می‌تواند هشدار برای مسئولان باشد تا با داشتن راهکارهای مناسب از سقوط بیشتر مشارکت اجتماعی جلوگیری کنند.

مشارکت‌های غیررسمی از قدیم در میان عشایر، روستاییان و حتی شهرنشین‌ها وجود داشته و مشارکت در مراسمات عزا و شادی، کمک به مردم آسیب دیده و پرداخت صدقه و ... از طریق خانواده و اطرافیان در وجود افراد نهادینه شده است و سبب شده تا بعد غیررسمی مشارکت پررنگ‌تر از بعد رسمی باشد و بروز و ظهور بیشتری داشته باشد. بنابراین نتایج این تحقیق با بسترهای تاریخی و فرهنگی در جامعه ما سنخیت دارد، اما مشارکت در کارهای رسمی به آگاهی و آموزش نیاز دارد و آموزش و بالا بردن سطح اطلاعات، دانش و آگاهی افراد می‌تواند سبب بالا رفتن مشارکت آن‌ها در بعد رسمی گردد. اهمیت و ارزش بالای مشارکت رسمی در سطح جامعه باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم در وجود افراد نهادینه شود، به گونه‌ای که افراد از زمان کودکی روحیات مشارکت‌پذیری را داشته باشند و این ارزش‌ها از طریق خانواده و مدارس در وجود آن‌ها نهادینه و درونی شود تا بتوانند در فعالیت‌های رسمی مانند انجمن‌ها و تعاونی‌ها و ... مشارکت داشته باشند.

بر خلاف نظریه راجرز و آراء نظریه‌پردازان نوسازی قدیم که وجود سنت و عناصر خرده فرهنگ بومی (کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات) را مانعی برای توسعه و مشارکت می‌دانستند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، می‌توان بر نقش مثبت این عناصر تاکید کرد، یافته‌ها نشان می‌دهد بین اهمیت دادن به عامل زمان با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و با افزایش میزان اهمیت دادن به عامل زمان، مشارکت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند که با نتایج پژوهش کرم و یوسفوند (۱۳۹۱)، همسو می‌باشد. راجرز معتقد است در جوامع دهقانی و کمتر توسعه یافته، مردم برای زمان ارزش و اهمیت چندانی قائل نیستند و کم اهمیت دادن به عامل زمان مانعی برای توسعه و مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود، اما یافته‌ها گواهی می‌دهد در جامعه مورد مطالعه، مردم برای زمان اهمیت و ارزش بالایی قائل هستند و این اهمیت دادن به عامل زمان باعث افزایش میزان مشارکت اجتماعی می‌شود، آن‌ها برای انجام کارهای خود در طول روز، هفته، ماه و سال برنامه زمانی مشخص دارند. در شهرستان جوانرود که اکثریت افراد در موقعیت‌های تجاری، فعالیت و مشارکت دارند، حاضر شدن به موقع در محل کار و شروع فعالیت‌ها از ابتدای صبح تا ظهر و متعاقباً تا غروب آفتاب و ساعاتی پس از آن تا هنگام تعطیلی مشاغل و کسب و کارها، نشان از ارزش قائل شدن مردمان این شهرستان برای زمان و موقعیت‌های کار می‌باشد. در شهرستان روانسر نیز که مردم بیشتر در مشاغل کشاورزی فعالیت دارند و می‌توان آن را قطب کشاورزی استان کرمانشاه دانست، نیز به همین منوال می‌باشد. شاید بتوان گفت که در این جوامع، نگرش و دیدگاه مردم نسبت به زمان متفاوت است و زمان را بر اساس طلوع و غروب خورشید می‌سنجند اما این به معنای کم اهمیت دادن به عامل زمان نیست و حتی در مقاطعی، زمان برای آن‌ها اهمیت و ارزش بالاتری نسبت به جوامع توسعه یافته دارد. به طور مثال محصولاتی مانند نخود و صیفی‌جات که در این مناطق کشت می‌شود، اگر دیرتر از موعد مقرر از زمین بردآوری گردد، آفتاب آن‌ها را از بین می‌برد و ضررهای زیادی را برای کشاورزان منطقه به عمل می‌-

آورد. موفقیت در فعالیت‌های کشاورزی در این منطقه که سهم عمده‌ای در تأمین محصولات مورد نیاز استان و کشور دارد، نشان‌دهنده اهمیت دادن مردم به عامل زمان در بارور کردن این محصولات و به ثمر رساندن آن‌ها می‌باشد.

یافته‌ها نشان داد بین سطح آرزوها و تمایلات با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار و منفی وجود دارد و با بالا رفتن سطح آرزوها و تمایلات، مشارکت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند که با نتایج پژوهش کرم‌پور و یوسفوند (۱۳۹۱)، همسو و با پژوهش احمدرش، دانش‌مهر و شاکری (۱۳۹۰)، ناهمسو می‌باشد. راجرز معتقد است، سطح آرزوها و تمایلات در جامعه دهقانی و کمتر توسعه یافته، پایین است اما یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سطح آرزوها و تمایلات در جامعه مورد مطالعه، متوسط به بالا است و اکثر پاسخگویان دارای انگیزه پیشرفت بالا، طالب موفقیت و خوشبختی هستند و ترجیح می‌دهند در این زمینه با یکدیگر رقابت کنند. وجود رابطه منفی بین سطح آرزوها و تمایلات و مشارکت اجتماعی می‌تواند نشان دهنده فردگرایی باشد که نتیجه آن کاهش مشارکت اجتماعی است و از خاصیت‌های جوامع در حال گذار می‌باشد. فردگرایی در شکل مثبت آن می‌تواند منجر به خود شکوفایی، خودباوری و استقلال فردی شود و در شکل منفی آن نیز منجر به توجه به خود و کسب منافع شخصی بدون توجه به دیگران می‌شود که با توجه به سابقه ایلی، عشایری و طایفه‌ای منطقه و محکم بودن باورهای دینی و مذهبی مردم، می‌توان گفت فردگرایی آن‌ها بیشتر جنبه مثبت دارد و اکثریت پیشرفت را هم برای خود و خانواده‌های‌شان به صورت فردی و هم برای طایفه و اطرافیان‌شان و به صورت جمعی می‌خواهند و علاوه بر جنبه‌های مادی در بعد آرزوها به جنبه‌های مذهبی و انسان‌دوستانه مانند کمک به فقرا و ساخت اماکن مذهبی نیز، توجه خاصی نشان می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت هم پیشرفت فردی و جمعی و هم توجه به جنبه‌های مادی و معنوی در جامعه مورد مطالعه وجود دارد.

بر خلاف دیدگاه راجرز و صاحب‌نظران مکتب نوسازی قدیم، میزان عناصر خرده فرهنگ دهقانی مانند کم اهمیت دادن به عامل زمان و پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، در سطح پایینی می‌باشد و این عناصر نیز مبنایی برای مشارکت اجتماعی به شمار می‌روند. بنابراین برای تبیین این موضوع باید از تئورهای صاحب‌نظران مکتب نوسازی جدید استفاده کرد. بر خلاف تئوری‌های نظریه‌پردازان مکتب نوسازی قدیم که وجود سنت و عناصر خرده فرهنگ بومی را مانعی برای توسعه و مشارکت می‌دانستند، نظریه‌پردازان مکتب نوسازی جدید بر نقش مثبت این عناصر تأکید دارند و تعارضی میان سنت و تجدد نمی‌بینند، بر تبارشناسی و موقعیت‌های تاریخی در هر منطقه تأکید دارند و مسیر توسعه را یک طرفه و با نگاه به الگوی غربی نمی‌بینند و معتقدند هر کشوری می‌تواند مسیر توسعه خاص خود را داشته باشد. بنابراین، ترویج سیاست‌های صاحب‌نظران مکتب نوسازی قدیم، بدون توجه به خرده فرهنگ‌های بومی و بافت اجتماعی و فرهنگی هر منطقه نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را در بحث توسعه و مشارکت به بار بیاورد.

برنامه‌های توسعه‌محور و مشارکتی باید به صورت درون‌زا و با تکیه بر سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای مردم هر منطقه اجرا شود تا موجب افزایش مشارکت شود.

پیشنادهای کاربردی

- با توجه به ضعیف بودن مشارکت در بُعد رسمی در فعالیتهای جمعی که توأم با مشارکت رسمی مردم انجام می‌شود، مسئولین به وعده‌های خود عمل کنند و در صورت داشتن منافع جمعی، این منافع به مردم بازگردد تا میزان اعتماد اجتماعی بالاتر رفته، همراهی مردم با دولت بیشتر شده و زمینه برای مشارکت‌های بعدی فراهم گردد و میزان مشارکت رسمی مردم منطقه افزایش پیدا کند؛

- اگر بخواهیم مشارکت مردم منطقه را با توجه به دو عنصر اهمیت دادن به عامل زمان در موقعیت‌های کار و زندگی و سطح آرزوها و تمایلات داشته باشیم که سبب می‌شود مردم، هم به پیشرفت فردی و جمعی و هم به جنبه‌های مادی و معنوی توجه داشته باشند، می‌توان از وحدت، انسجام و یکپارچگی به وجود آمده ناشی از وجود این عناصر در بین افراد و گروه‌ها استفاده کرد، آن‌ها را در قالب گروه‌های مختلف، متشکل از دانش‌آموختگان، زنان و جوانان در بنگاه‌های کوچک و زود بازده سازماندهی کرد و آن‌ها را برای توسعه و مشارکت در سطح جامعه خودشان به کارگیری کرد. به گونه‌ای که امور، به مردم و گروه‌های اجتماعی سپرده شود و دولت، فقط نقش حمایتی و قابله‌گی را ایفا کند و حمایت‌های لازم را در بحث‌های قانونی، مالی، حقوقی و ... داشته باشد تا توسعه و پیشرفت حاصل شود.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Afshani, S. A and Jantifar, A. (2015). Comparing the level of social participation and its related factors among students of public and non-profit high schools in Yazd, *Applied Sociology*, 27 (3), P.p: 73-96.
2. Aghajani Refah, R; Norouz Barazjani, V and Nejad Ebrahimi, A. (2022). An Analysis of Interactions among Influential Factors Contributing to Social Participation in the Historic Bazar of Tabriz through the Lens of Latour Actor-Network Theory: A Grounded Theory, *Bagh Nazar*, 19 (107), P.p: 111-126.
3. Ahmadresh, R; Danesh Mehr, H. and Shakri, S. (2012). investigation of the relationship between the elements of small peasantry and the socio-economic base of villagers (a case study of eastern Lajan district, Piranshahr city), *Rural Development Quarterly*, 3 (2), P.p: 143-164.
4. Azkia, M. (1991). An introduction to the sociology of rural development. Tehran: Information Publications, second edition.
5. Baeriswyl, M; Oris, M. (2023). Social participation and life satisfaction among older adults: Diversity of practices and social inequality in Switzerland, *Ageing & Society*, 43 (6), P.p: 1259-1283.
6. Bayani, F; Dankob, Gh and Hosseini, S. Y. (2018). The study of social factors affecting the socio-cultural participation of middle school teachers in Mashhad, *Journal of research in humanities education*, 4 (14), P.p: 46-67.
7. Farhadi, M. (2017). Capitals and social participation in the student environment, *Cultural Sociology*, 9 (1), P.p: 99-129.
8. Fazli, Sh; Adhami, A and Nowrozi, F. (2023). Sociological study of the factors affecting social participation (A survey on the cities of Javanroud and Ravansar), *Sociology of Culture and Art*, 5 (3), P.p: 203-219.
9. Heiss, R; Schmuck, D; Matthes, J and Eicher, C. (2021). Citizen Science in Schools: Predictors and Outcomes of Participating in Voluntary Political Research, *SAGE Open*, 11 (4), P.p: 1-14.
10. Hong, Y; Fu, J; Kong, D; Liu, S; Zhong, Z; Tan, J and Luo, Y. (2021). Benefits and barriers: a qualitative study on online social participation among widowed older adults in Southwest China, *BMC Geriatr*, 21 (450), P.p: 1-10.
11. Karampour, M. and Yousafund, S. (2013). review of Rogers' peasant subculture theory (case study: villages of Kahman region of Selseleh city), *Local Development (Rural-Urban)*, 4 (2), P.p: 139-164.
12. Kivimäki, HM; Ståhl, TP; Joronen, KM and Rimpelä, AH. (2021). Parents' Participation in School Health Examinations for Their Adolescent Children in Finland, *The Journal of School Nursing*, 0 (0), P.p: 1-11.
13. Llorente, C; Revuelta, G and Carrió, M. (2021). Social participation in science: Perspectives of Spanish civil society organizations, *Public Understanding of Science*, 30 (1), P.p: 36-54.
14. Lotfalizadeh, S; Amini, Y and Hosseinzadeh, A. H. (2022). Investigating the effective factors on citizens' social participation in urban affairs (case study: 8 districts of Ahvaz city), *Social Development*, 17 (2), P.p: 115-144.
15. Management and Planning Organization of Kermanshah Province. (2019). Economic, social and cultural report of Kermanshah province for the years 2017 and 2018, Tehran: National Program and Budget Organization, first edition.

16. Mousavi, M.T. (2005). Analysis of social participation in Tehran (the peasant subculture approach of Rogers), *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 5 (19), P.p: 301-327.
17. Niazi, M; Khedmati, Z and Khoshbayani-Arani, F. (2021). Investigating the level of social trust and stability in relation to the willingness of the citizens of Kashan to participate in society, *Urban Sociological Studies*, 12 (43), P.p: 101-132.
18. Nikkhah, H and Ahmadi, Z. S. (2016). Investigating socio-cultural factors affecting the social participation of the citizens of Bandar Abbas city, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 6 (1), P.p: 159-184.
19. Nowrozi, F and Bakhtiari, M. (2009). Social participation and social factors affecting it, *Strategy Quarterly*, 18 (53), P.p: 249-269.
20. Pirahari, N. (2015). Investigating formal and informal social participation of women in Tehran, *Women and Society Scientific-Research Quarterly*, 7 (Special Issue), P.p: 137-156.
21. Rezaei, O; Ahmadi, V and Moradi, A. (2019). The role of economic poverty in social and political participation and social harms (studied: deprived neighborhoods of Javanroud), *Research Journal of Social Work*, 7 (24), P.p: 37-66.
22. Toulia, A; Alves, S; Avramidis, E; Sanches-Ferreira, M and Silveira-Maia, M. (2022). Qualitative evaluation of an intervention programme fostering students' social participation implemented by Greek and Portuguese elementary school teachers, *International Journal of Educational Research Open*, Volume 3, 100205, P.p: 1-8.
23. Zabadan, M. (2021). The breakdown table of the participation of provinces in the elections of June 28, 2021, Islamic Republic of Iran News Agency, available at: <https://www.irna.ir/news/84374531>, reference date 17/02/23.
24. Zare, B. and Rohande, M. (2014). Investigating social factors affecting socio-political participation in a study of citizens over 18 years of age in Karaj city, *Iranian Journal of Social Studies*, 9 (2), P.p: 64-87.
25. Zarei, Y. and Elmi, M. (2023). Investigating the relationship between social participation and life satisfaction with a sense of social security among the citizens of Tabriz city, *Sociological Studies*, (in press).